

متن پیاده سازی شده جلسه هفتاد و سوم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 14 اسفند 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : اقربهم منى غداً فى الموقف اصدقهم للحديث و اداء الامانة و اوفاكم بالعهد و احسنكم خلقاً و اقربكم من الناس (تحف العقول ص 36 و بحار النوار ج 69 ص 375 و امالى طوسى ج 2 ص 233)
در آستانه میلاد نبی اکرم و امام صادق علیه السلام قرار داریم؛ این حدیث انتخاب شد تا بهانه ای شود برای بیان برخی مطالب رسول مکرم می فرماید: فردای قیامت در آن موقف و جایگاه نزدیکترین شما به من کسانی هستند که پنج خصوصیت داشته باشند 1: وقتی صحبت می کنند صادق باشند در صحبت کردن؛ تلاش کنند چه از عمد چه غیر عمد دروغ نگویند 2: اداء امانت؛ کسانی که به امانت خیانت نمی کنند حالا ممکن است این امانت مال باشد یا دین یا ...
3: وفا به عهد، کسانی که مقید هستند به وعده هایشان عمل کنند 4: اخلاق نیکو 5: تلاش کنند در هر موقعیتی نزدیکترین فرد به مردم باشند.

خواجه نصیر یکی از بزرگترین علمای اسلامی است شخصی به او نامه می نویسد و او را کلب بن کلب می خواند خواهجه در جواب چهار جواب می دهد که قیاس استثنایی است که با رفع تالی رفع مقدم می شود ایشان پس از عرض ارادت و سلام می نویسد اما اینکه گفتید کلب بن کلب من خودم را می شناسم و پدرم را دیده بودم کلب با چهار دست و پا راه می رود اما من با دو پا راه می روم. سگ چنگال دارد من انگشت دارم؛ سگ استخوان می خورد من غذا می خورم؛ سگ عو عو می کند من حرف می زنم لذا من هر چه نگاه کردم دیدم من سگ نیستم.

روحانیت باید طیب باشد دارو باشد اگر روحانی مریض شد درد شد در این صورت این درد و مرض به مردم می رسد؛ گاهی بد اخلاقی ها از ما به مردم می رسد، به جای اینکه طبیب دوار بطبه باشیم مرض را به مردم انتقال می دهیم. دوستان اولاً تا زمانی که مطلبی را یقین ندارید نگویند در این صورت خدا شما را در قیامت مواخذه خواهد کرد چرا که خودش فرمود لا تقف ما لیس لك به علم ... دوستان نسبت به داورى ها مراقب باشید گاهی انسان فیلمی می بیند جوان را پیر می کنند و بالعکس با هم دعوا می کنند و... اما همه اینها فیلم است و پشت صحنه چیز دیگری است. بسیاری از قضاوت های اشتباه به خاطر ندیدن پشت پرده هاست.

محمد بن مسلم ثقفی رفیقی دارد به نام ابو کریبه این دو در دعوی سراغ شریک بن عبدالله قاضی معروف اهل سنت رفتند در حالات محمد بن مسلم هست (قاموس الرجال را ببینید) شریک نگاهی به این دو نفر کرد و گفت جعفریان فاطمیان مثل می خواست هتک بکنند یعنی می خواست بگوید شما دو تا از اصحاب امام صادق و فاطمی مسلک هستید؛ می خواست بگوید شما دو تا اینجا چه می کنید بزرگترین جرم شما این است که جعفری و فاطمی هستید. این دو نفر گریه کردند و تاسف خوردند شریک گفت برای چه گریه می کنید؟ این دو نفر گفتند نسبتنا الی اقوام لا یرضون بامثالنا ان یکون من اعوانهم (تو ما را به جمعیتی نسبت دادی که راضی نمی شوند ما از اعوان آنها باشیم)

چرا که ورع ما سخیف است و نسبتنا الی رجل (جعفر علیه السلام) لا یرضی بامثالنا ان نکون من شیعتہ فان تفضل و قبلنا فله المنّ ... شریک دید خیلی بد جورى رو دست خورد چرا که شریک این ها را پرسید که آنها مذهب خودشان را پنهان کند؛ سپس شریک گفت اگر شیرمردی هم می خواهد باشد باید مثل شما باشد(کنایه از اینکه مرد به شما می گویند) بعد دستور داد به شخصی به نام ولید و گفت کارشان را اصلاح کن اما گفت دیگر پیش من نیایید. زراره می گوید رفته حج به ابا عبدالله علیه السلام خبر دادم و ایشان فرمود خداوند شریک را به بند آتش بکشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

دوستان دقت کنید ما دیروز پس از اینکه اثبات کردیم خبر واحد کارایی سندی دارد قرار شد چند تذکر دهیم. یکی از تذکرات، بحثی است هزار ساله اما موطن خاصی ندارد و به آن در بخش خاص پرداخته نشده است آن بحث این است که آیا خبر واحد در موضوعات مخترع شرعی، حجت است یا نه؟ درحج چقدر سوالاتی پیش می آید که مبین موضوع شرعی است یا مثلاً روایت می گوید فقر این است غنا این است و... این ها حکم نیست اما مبین موضوعات شرعی است. آیا روایاتی که مبین اعتقادات، اخلاق، مبین شان نزول، مبین اوصاف خداوند، اوصاف قیامت و... حجت است یا نه؟ اگر بگوییم حجت است اولاً: نقلش جایز می شود چرا که در این صورت، نقل علم می شود نه غیر علم؛ ثانیاً: خود انسان می تواند معتقد شود(دوستان اعتقاد اختیاری است نه غیر اختیاری و لذا به خاطر توحید ثواب می دهند و به خاطر شرک عذاب می دهند) ثالثاً: اثر شرعی دارد مثلاً فلان روایت می گوید آیه در مورد فلان شخص است ما می گوییم اسم فلانی را نیار چرا که در ذیل فلان آیه در مورد او مذمت کرده اند.

استاد: علمای ما یک بحث مختصری در مورد نزول آیات مطرح کرده اند؛ ما حدود 4000 هزار روایت از شیعه در مورد شان نزول آیات داریم که عمده این روایات هم خبر واحد است شاید یک خبر متواتر هم پیدا نشود مگر آیه ای مثل الیوم اکملت لکم دینکم ... و متاسفانه عمده این اخبار هم ضعیف است اما عده ای از این روایات از ثقات نقل شده است حال باید ببینیم آیا این روایات حجت هستند یا نه؟

از نظر موقعیت دو مبنای مختلف در مورد چنین اخباری وجود دارد.

1: حجت است و می توانید نقل کنید و معتقد شوید و ترتیب اثر دهید.

2: حجت نیست و نمی توانید نقل کنید و ترتیب اثر دهید.

استاد علیدوست: ما یک اخباری داریم که در مورد اخلاقیات است مثل روایاتی که در مورد حسادت است و... این روایات نه مبین حکم است نه مبین موضوع بلکه این روایات صفات نفسانی را بیان می کند مثلاً شخصی حسود است و دوست ندارد دوستش پیشرفت بکند اما ابراز نمی کند و ترتیب اثر هم نمی دهد نمی شود به چنین کاری گفت حرام است. مثلاً شخصی دنیا را دوست دارد و به آن حب دارد اما ظاهر نمی کند نمی شود به این کار حرام گفت.(البته اینها خیلی خطرناک است و انسان را به ورطه محرّمات می کشاند)

و الحمد لله رب العالمین